

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"
فرستنده: احمد پوپل
۲۵ جون ۲۰۲۵

نگاه کن

۱

سال بد
سال باد
سال اشک
سال شک.
سال روزهای دراز و استقامت های کم
سالی که غرور گدائی کرد.
سال پست
سال درد
سال عزا

سال اشک پوری
سال خون مرتضا
سال کبیره...

۲

زندگی دام نیست
عشق دام نیست
حتا مرگ دام نیست
چرا که یاران گم شده آزادند
آزاد و پاک...

۳

من عشقم را در سال بد یافتم
که می‌گوید «مأیوس نباش»؟ –
من امیدم را در یأس یافتم
مہتابم را در شب
عشقم را در سال بد یافتم
و هنگامی که داشتم خاکستر می‌شدم
گر گرفتم.

زندگی با من کینه داشت
من به زندگی لبخند زدم،
خاک با من دشمن بود
من بر خاک خفتم،
چرا که زندگی، سیاهی نیست
چرا که خاک، خوب است.

من بد بودم اما بدی نبودم
از بدی گریختم
و دنیا مرا نفرین کرد
و سال بد در رسید:
سال اشک پوری، سال خون مرتضا
سال تاریکی.
و من ستاره‌ام را یافتم من خوبی را یافتم
به خوبی رسیدم
و شکوفه کردم.

تو خوبی
و این همه اعتراف‌هاست.
من راست گفته‌ام و گریسته‌ام
و این بار راست می‌گویم تا بخندم
زیرا آخرین اشک من نخستین لبخندم بود.

۴

تو خوبی
و من بدی نبودم.

تو را شناختم تو را یافتم تو را دریافتم و همه

حرف‌هایم شعر شد

سبک شد.

عقده‌هایم شعر شد همه سنگینی‌ها شعر شد

بدی شعر شد سنگ شعر شد علف شعر شد

دشمنی شعر شد

همه شعرها خوبی شد

آسمان نغمه‌اش را خواند مرغ نغمه‌اش را خواند

آب نغمه‌اش را خواند

به تو گفتم: «گنجشکِ کوچکِ من باش

تا در بهارِ تو من درختی پُر شکوفه شوم.»

و برفِ آب شد شکوفه رقصید آفتاب در آمد.

من به خوبی‌ها نگاه کردم و عوض شدم

من به خوبی‌ها نگاه کردم

چرا که تو خوبی و این همه اقرار هاست،

بزرگترین اقرار هاست. –

من به اقرار‌هایم نگاه کردم

سالِ بد رفت و من زنده شدم

تو لبخند زدی و من برخاستم.

۵

دلم می‌خواهد خوب باشم

دلم می‌خواهد تو باشم و برای همین راست می‌گویم

نگاه کن:

با من بمان!